

لغات درس دوم

ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی
1	Over the years	در طی سالها	19	A association	اجتماع، اتحاد، ارتباط،
2	definition	مشخصات، مشخص کردن، تعریف معنی	20	communication	ارتباطات، مکاتبه (ارتباط)
3	offer	ایجاد، عرضه، پیشکش، ارائه، پیشنهاد	21	indicate	اشاره کردن به، نشان دادن، نمایان ساختن
4	define	تعریف - معنی	22	direct	مستقیم، اداره کردن، نظارت کردن بر، رهبری کردن
5	classified	طبقه بندی شده، رده بندی شده	23	expand	توسعه دادن، به تفضیل شرح دادن، بسط یافتن
6	equate	برابر کردن، مساوی پنداشتن، معادله ساختن، یکسان فرض کردن	24	range	دامنه، حیطه، گسترده
7	audiovisual	دیداری - شنیداری	25	realize	تصدیق کردن، تحقق بخشیدن، پی بردن
8	A alongside		26	As well as	همچنین
9	italics added	الی آخر	27	Audio visual	آموزش سمعی بصری، دیداری - شنیداری
10	convenient	راحت - مناسب	28	associate	شریک، متحد، به هم وابسته، پیوستن
11	jargon	اصطلاحات یک صنف، لهجه خاص، گفتار نامفهوم	29	notion	مفهوم، نظریه، فکر
12	distinguish	تمییز دادن، تشخیص دادن، دیدن	30	terminology	اصطلاحات علمی یا فنی، لغات و واژگان فنی در روانشناسی
13	beyond	آن سوی، دورتر	31	emerging	پدیدار شدن، بیرون آمدن
14	particular	مخصوص، ویژه، منحصر به فرد	32	utilization	توسعه، کاربرد
15	describe	ره کرد، شیوه	33	official	اداری، کارمند
16	contain din	مثال، حاوی	34	officially	رسمی
17	statement	بیانیه	35	workplace	محل کار
18	revolution	انقلاب، چرخش	36	effort	تلاش، سعی، کوشش

37	device	تجهيزات، اسباب بازی
38	Sense	حس، هوش، ادراک، تشخیص
39	sum	روی هم، حساب کردن، جمع کردن
40	carryout	اجرا
41	evaluating	ارزشیابی
42	italiesadded	والی آخر
43	In terms	بر مبنای
44	objective	هدف (رفتاری) - در ارزشیابی
45	employ	به کار گرفتن، استخدام
46	approach	شیوه، دیدگاه (در روانشناسی)
47	approval	تصویب
48	ethical	اخلاقی - وابسته به اخلاق
49	facilitate	آسان کردن، کمک کردن، تسهیل
50	improve	اصلاح کردن، پیشرفت کردن، بهبود دادن
51	performance	عملکرد، اجرا، نمایش
52	appropriate	اختصاص دادن، درخور مناسب، مقتضی
53	propose	پیشنهاد دادن
54	perceive	درک کردن، دریافتن، ادراک کردن
55	associate	وابسته، پیوسته، شریک